



## درس فراه اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲ / آذر / ۱۳۹۸

موضوع کلی: نواهی

مصادف با: ۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۱

موضوع جزئی: اجتماع امر و نهی - مقدمه دوم: فرق مسئله اجتماع امر و نهی با مسئله

مسئله اقتضای نهی للفساد

جلسه: ۲۸

سال یازدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### امر دوم

امر دوم از امور مقدماتی که محقق خراسانی در بحث اجتماع امر و نهی مطرح می‌کنند، فرق بین مسئله اجتماع امر و نهی و اقتضاء یا استلزام نهی للفساد است. ما دو مسئله داریم که هر دو در نواهی بحث می‌شود، یکی اجتماع امر و نهی، یعنی همین بحثی که در آن حضور داریم و دیگری نیز بحث از اینکه آیا نهی متعلق به عبادت مقتضی فساد است یا خیر؟ مثل نهی به صوم یوم عاشورا یا نهی به صوم عید قربان، و اینکه اگر به عبادتی نهی متعلق شود آیا اقتضای فساد دارد یا ندارد؟ امر دوم در واقع منعقد شده برای بین فرق بین این دو مسئله.

اما این دو مسئله چه اشتراک یا شباهتی دارند که لازم شده محقق خراسانی اقدام به بیان فرق این دو کند؟ چه تشابه و اشتراکی بین این‌ها وجود دارد؟ از یک طرف وقتی بحث می‌کنیم که آیا نهی از عبادت مقتضی یا مستلزم فساد است یا خیر، عبادت یعنی چیزی که نیازمند امر است، حال چه امر وجوبی و چه استحبابی، از طرف دیگر وقتی می‌گوییم: نهی به عبادت متعلق می‌شود معنایش این است که چیزی که عبادت است، (یعنی امر دارد) متعلق نهی قرار بگیرد و این همان اجتماع امر و نهی است، پس چیزی که عبادت است و امر دارد، اگر نهی به آن تعلق گرفت آیا اقتضاء فساد دارد یا ندارد؟ لذا متوهم ان یتوهم که مسئله اقتضاء و استلزام تعلق نهی به عبادت للفساد نیز از مصادیق مسئله اجتماع امر و نهی است زیرا در بحث اجتماع امر و نهی بحث می‌کنیم که آیا می‌شود امر و نهی با هم در یک مورد اجتماع کنند یا خیر؟ این‌جا نیز همین‌طور است، عبادتی که نهی به آن متعلق شود، یعنی چیزی که امر دارد نهی به آن تعلق بگیرد و این همان اجتماع امر و نهی است لذا جای این سؤال هست که چه فرقی است بین اجتماع امر و نهی و استلزام نهی از عبادت للفساد.

در این باره اقوال و انظار مختلفی وجود دارد. محقق خراسانی دو وجه برای فرق این دو مسئله ذکر می‌کنند و بعد نظر خودشان را بیان می‌کنند. مجموعاً در این بحث چهار وجه را برای فرق بین این دو مسئله مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### سوال

استاد: ما نمی‌گوییم این دو یکی هستند «العبادة هو ما یحتاج الی امر» یعنی عبادت فقط با امر درست می‌شود که عرض کردیم امر اعم از وجوب و استحباب است امر الزاماً امر وجوبی نیست، شما در مستحبات نیز «افعل» دارید، تا به شما «افعل» نگویند عبادت درست نمی‌شود، شما در تعبدیات نیاز به قصد قربت دارید، قصد قربت چیست؟ قصد قربت یعنی قصد امتثال امر یعنی من این کار را

به قصد القربه و قصد امتثال امر انجام می‌دهم، طبق معنای مشهور یعنی چون خدا گفته انجام می‌دهم، چون خدا امر کرده انجام می‌دهم، ولی این امر گاهی لزومی است و گاهی استحبابی، پس وقتی می‌گوییم: عبادت یعنی «ما یحتاج الی امر» البته این امر اعم از امر لزومی و امر استحبابی است و لذا چیزی که امر نداشته باشد، نمی‌توانید آن را به عنوان عبادت و با قصد قربت انجام دهید. البته بحث تسامح در ادله سنن بحث دیگری است که «من بلغه شیء من الثواب فعمله» این ثواب است، در آنجا بیان شده که کسی که به او برسد که فلان عمل فلان ثواب را دارد ولو فی الواقع امر هم نداشته باشد، ثواب هم نداشته باشد این ثواب به او داده می‌شود، در روایت من بلغ بحث شده است که آیا با روایت من بلغ، استحباب العمل ثابت می‌شود که بعضی به آن قائل شدند، حدود شش نظر در آنجا وجود دارد که بله با این روایات استحباب ثابت می‌شود، به استناد این روایت می‌گوید: اگر کسی به استناد اینکه ما گفتیم فعلی را انجام دهد ما ثوابش را به او می‌دهیم هرچند ما نگفته باشیم زیرا به امید اینکه ما گفتیم انجام می‌دهد، ببینید رکن عبادت این است ولو روایت ضعیف باشد اما در عین حال به امید اینکه ائمه گفتند این کار را انجام دهد ثواب به آن تعلق می‌گیرد و الا اگر کسی از پیش خودش همینطوری کاری کند هیچ فایده‌ای ندارد بلکه اگر عنوان بدعت و تشریح پیدا کند حتی حرام هم می‌شود.

### وجه اول (صاحب فصول)

فرق بین اجتماع امر و نهی و مسئله نهی متعلق به عبادت که آیا مستلزم فساد است یا خیر، فرق بین موضوعات این دو است. یعنی اختلاف این دو مسئله به واسطه اختلاف موضوعات این دو مسئله است، کانه ما دو قضیه داریم که هر کدام یک موضوع دارند و یک محمول، مثلاً در علم «نحو» قضایا و مسائل مختلفی دارید، می‌گویید: الفاعل مرفوع و المبتدء مرفوع، محمول این دو قضیه یکی است اما موضوعشان مختلف است. لذا این دو، دو مسئله از مسائل علم نحو می‌شوند. بالاخره همانطور که بین خود علوم باید تمایز باشد بین مسائل و قضایای علوم نیز باید اختلاف و تفاوت باشد، نمی‌شود از اول تا آخر یک علمی صد مسئله بحث شود و موضوع و محمول همه یکی باشد این اختلاف بین مسائل هر علمی باید باشد، مسائل همان قضایا است، قضایای هر علم، بالاخره یا اختلاف در موضوع باید داشته باشد یا اختلاف در محمول یا اختلاف در هر دو، مسائل مختلف یک علم با این سه چیز از هم جدا می‌شوند، تفاوت موضوعات یا محمولات و یا هر دو.

صاحب فصول می‌گویند: اختلاف بین این دو مسئله از حیث موضوعشان است. موضوع در این مسئله عبارت از این است: «اجتماع الامر و النهی» اما در مسئله دیگر آن است: «فساد العبادة منهی عنها» این بیانی است که صاحب فصول برای فرق بین این دو مسئله گفته است.

### بررسی وجه اول

شاید این راه از یک جهت تفاوت ایجاد کند ولی مسئله مهم این است که جهات مباحث عنها باید فرق داشته باشد. یعنی صرف اختلاف موضوع موجب تعدد مسئله نیست، در حالیکه جهت این‌ها واحد است. یعنی موضوع باید مختلف باشد، آن جهتی که در آن بحث می‌شود نیز باید متفاوت باشد، لذا این راه شاید راه تمامی نیست به علاوه اینکه ما به خصوص در مورد اختلاف در موضوع بتوانیم یک چیزی را تصویر کنیم به این شکل به تنهایی در حالیکه محمولشان واحد باشد، این مشکل است.

### وجه دوم

یکی از این دو مسئله عقلی است و دیگری لفظی. یعنی مسئله اجتماع امر و نهی و اینکه آیا جایز است یا ممتنع یک مسئله عقلی است، اما مسئله «دلالة النهی عن العبادة علی الفساد» یک مسئله لفظی است. عنوان را دقت کنید، تعدا این تعبیر را به کار بردم «دلالة النهی عن العبادة علی الفساد» آیا نهی از عبادت یدل علی فسادها؟ اینجا بحث دلالت لفظی است. برخی فرق بین این دو مسئله را اینچنین قرار دادند که مسئله اجتماع امر و نهی یک مسئله عقلی است اما مسئله اینکه آیا نهی از عبادت مقتضی یا مستلزم فساد است یک مسئله لفظی است،

#### بررسی وجه دوم

این هم به نظر می‌رسد درست نیست زیرا به یک معنا این مسئله دوم نیز یک مسئله عقلی است. اینکه شما می‌گویید: آیا نهی از عبادت دلالت بر فساد عبادت می‌کند یا نه؟ در واقع به این معنا است که آیا نهی از عبادت مستلزم فساد است یا خیر؟ یا مقتضی فساد است یا نه؟ این استلزام به دایره لفظ مربوط نیست، تا در مورد لفظ «لاتصم» بگوییم: بالملازمه دلالت بر فساد روزه در این روز می‌کند یا خیر؟ اصلاً بحث دلالت التزامی نیست، این بحث یک بحث عقلی است، آیا اگر از یک عبادت نهی شود، عقلاً مستلزم فساد است یا خیر؟ لذا این جهت نیز نمی‌تواند به عنوان فارق بین این دو مسئله عمل کند.

#### وجه سوم (محقق خراسانی)

ایشان برای بیان فرق بین این دو مسئله اینطور می‌فرماید: جهت این دو مسئله متفاوت است یعنی در مسئله اجتماع امر و نهی در واقع نزاع در این است که اگر مولایی امر کند به عملی، مثل نماز آیا این امر از عنوان نماز که متعلق امر قرار گرفته است سرایت می‌کند به آن عنوانی که نماز در خارج با آن متحد شده است یا نه؟ پس در بحث اجتماع امر و نهی بحث از سرایت است، یعنی امر به یک عنوانی متعلق شده و این عنوان در خارج متحد شده با یک عنوان دیگر حال بحث این است که این امر سرایت می‌کند به عنوان دیگر، زیرا مصداق آن عنوان دوم الان در خارج متحد شده با مصداق عنوان اول، قائلین به جواز اجتماع معتقدند که خیر، سرایتی در کار نیست، امر به عنوان خودش و نهی نیز به عنوان خودش متعلق شده است. «لاتغصب» فقط متعلق به عنوان غصب می‌شود و هیچ سرایتی به خارج از متعلق خودش ندارد، «اقیموا الصلوة» نیز فقط به عنوان خودش یعنی نماز متعلق می‌شود و سرایتی در کار نیست. قائلین به امتناع می‌گویند: این جا هر یک سرایت می‌کند به دیگری، یعنی امر وقتی به نماز متعلق می‌شود، چون خارجاً متحد با فرد یک عنوان دیگر است کأنه این امر به آن عنوان دیگر هم سرایت می‌کند و بالعکس و لذا اجتماع امر و نهی در یک مورد لازم‌اش این است که یک چیز که هر دو عنوان بر آن منطبق است هم مأمور به باشد و هم منهی عنه و هو محال، این ممتنع و محال است.

اما در مسئله تعلق نهی به عبادت این موضوع از یک جهت دیگری مورد بحث قرار می‌گیرد و آن هم این است که آیا بین نهی متعلق به عبادت و بطلان و فساد عبادت ملازمه است یا خیر؟ پس جهت‌ها فرق می‌کند، درست است که کأنه امر و نهی به نوعی جمع می‌شوند اما جهتشان فرق می‌کند، یکی جهتش بطلان و فساد معامله است که آیا چنین لازم‌ای دارد یا خیر؟ و یکی بحث سرایت است، این دو خیلی با هم فرق دارد.

این محصل نظر محقق خراسانی است که اختلاف بین مسئله اجتماع امر و نهی و مسئله تعلق نهی به عبادت مستلزم للفساد ام لا به این بر می‌گردد که در اولی بحث از سرایت امر به متعلق نهی است و در دومی بحث از بطلان است، بحث در این است که آیا بین

نهی از عبادت و بطلان و فساد عمل ملازمه وجود دارد یا ندارد؟ پس این دو با هم فرق دارد و ایشان می‌گویند: همین مقدار برای اینکه بین این دو فرق بگذاریم کفایت می‌کند.

#### سوال

استاد: خیر اگر گفتیم امر از عنوان نماز سرایت می‌کند به عنوان غضب چون اتحاد در مصداق دو فرد پیدا شده است، اینجا بحث این است که آن نیز امر دارد یا خیر؟ یعنی غضب هم امر پیدا می‌کند. اینجا بحث در ملازمه بین عبادات و بطلان است. اگر گفتیم چنین ملازمه‌ای نیست معنایش این است که نهی به عبادت متعلق می‌شود ولی عبادت فاسد نیست.

اگر منظورتان این است، یعنی اینکه می‌گویید ولو از حیث نتیجه یکی شود یعنی فرض کنید طبق قول به جواز اجتماع امر و نهی این نماز صحیح است و طبق قول به عدم ملازمه بین نهی و فساد این نماز باز هم صحیح است، اگر منظورتان این باشد، بله ممکن است نتیجه در خارج این طور شود که طبق هر دو مبنا و در هر دو مسئله یعنی بین طبق قولی که می‌گوید اجتماع امر و نهی جایز است و همچنین طبق قولی که بین نهی از عبادت و بطلان ملازمه نیست قهرا می‌گوید این عمل صحیح است نتیجه به این معنا یکی می‌شود. والا دو مسئله و دو موضوع می‌شود.

#### بحث جلسه آینده

اشکال امام خمینی به محقق خراسانی

«والحمد لله رب العالمین»